

نگاه

درباره فیلم «چترهای شربورگ» به کارگردانی ژاک دمی

یک زندگی معمولی شاعرانه

ابونصرقدیمی

«چترهای شربورگ» محصول سال ۱۹۶۴ فرانسه به کارگردانی ژاک دمی است که در این فیلم به‌عنوان بازیگر نیز حضور دارد. او موفق به دریافت جایزه نخل طلای و نامزدی چند جایزه اسکار هم شد.

فیلم چند نکته ویژه و منحصربه‌فرد دارد که شاید اصلی‌ترین آنان، موزیکال‌بودنش است. تمام دیالوگ‌ها توسط کاراکترها به‌صورت آواز و اپرا اجرا می‌شود. دقیقاً بُعد کمدی فیلم هم اینجاست که حتی زمانی که با بحران‌های هولناک و جروب‌های شدید نیز مواجه می‌شویم که انتظار شنیدن دادوهوار و سسوز و کلمات رکیک داریم. کاراکترها آواز و اپرا می‌خوانند که خیلی هم خوب در فرم می‌نشینند و این رویه در هیچ‌کجای فیلم و تا پایان از بین نمی‌رود که نشان می‌دهد چقدر می‌توان مشکلات را جدی نگرفت. شاید این تقابل و طعنه‌ای باشد به مردمان زیادی که همواره از کاه، کوه ساخته و در برابر مشکلات پیش‌پاافتاده، روحیه خویش را باخته و شسروع به پرخاش و سپس افسردگی می‌کنند. این ویژگی کمدی در کنار ساختار درام فیلم به آفرینش نوعی پارادوکس و سوررئال می‌انجامد که بیننده نمی‌داند دقیقاً باید بخندد یا بگریزد؟! داستان را واقعی انکارد یا خیالی؟! با این تمهیدات، آشنادزایی خارق‌العاده یا خرق‌عادتی ناآشنا هم آفریده شده که علاوه بر اینکه اثر برای بیننده خسته‌کننده نمی‌شود، بلکه طرح و پیشنهادی هم برای زندگی خصوصی او ارائه می‌دهد یا او را در شناخت این سوبیه پنهان در زندگی یاری می‌دهد که بگوید این‌طور هم می‌شود زندگی کرد. از دیگر نکات منحصربه‌فرد فیلم، میزانسن‌های عالی است که با نمایش رنگ‌های شاد، مناظر خاطره‌انگیز و شگفت‌انگیز و بک‌گراندهای شاعرانه و عاشقانه، حقیقتاً آدمی را یاد روزهای خوب کودکی و نقاشی‌های شاهکار سبک امپرسیونیسم می‌اندازد؛ به‌طوری که کوبی فیلم سراسر یک نقاشی امپرسیونیسم و سوررئال است. مهندسی و ترکیب رنگ‌ها و حتی نام فیلم بی‌نهایت شاعرانه و شگفت‌انگیز است. داستایوفسکی از رئالیست‌های روسیه و اروپا انتقاد می‌کند که می‌گویند «واقعیت را فقط باید آن‌طور که هست نمایش داد؛» زیرا هیچ واقعیتی وجود ندارد و انسان تمام حقایق را از دریچه ادراک و ذهن خویش درک می‌کند و هیچ‌گاه به ذات پدیده‌ها دسترسی ندارد. پس باید به خیال‌تحرک بیشتری داد. بنابراین کار هنرمند تنها طرح امور روزمره و دم‌دستی نیست، بلکه هنرمند باید به طرح کلی و جاودانه و لایه‌های کشف‌نشده روح آدمی برسد. با توجه به چنین حرف‌های آموزنده و خردمندانه داستایوفسکی، به عظمت و اهمیت میزانسن می‌رسیم که تفاوت یک فیلم با یک قصه مصور در چیست؟! به همین جلوه‌های بصری، رنگ‌آمیزی‌ها، نماها و زاویه‌های شگفت‌انگیز و دکور باشکوه می‌رسیم که حقیقتاً شگستاک و مبدا این واژگان فرانسه است. از دیگر موضوعات فیلم که به پررنگی دو مورد قبل نیست اما حائز اهمیت است، در حال و لحظه زندگی‌کردن کاراکترهاست که آرزوی بزرگی در زندگی ندارند و عاشق زندگی و آدم‌های موجود پیرامون خویش هستند. هنگامی که کنار هم هستند، عاشق هم هستند اما هنگام جدایی، تعهد و وابستگی شدیدی به هم ندارند و سعی می‌کنند در لحظه حال بهترین تصمیم را برای شاد زندگی‌کردن بگیرند. درواقع تعهدشان به آدم‌ها و موقعیت‌های گذشته و آینده نیست، بلکه تمام دغدغه و تعهدشان به زمان حال و آدم‌ها و شرایط حال است. گویا خود واژه زندگی و شادبودن در آن، مقدس‌ترین واژه و مقدم بر تمام واژگان است و مفهوم خوشبختی، خوشبختی در زمان حال است. این است که حتی هولناک‌ترین بحران‌ها را کوبی به شوخی می‌گیرند، بابت کاری که شده زندگی را جهنم نمی‌کنند، به‌سادگی با آنها کنار می‌آیند و در نهایت حل‌شان می‌کنند. این فیلم از بهترین مثال‌هاست که نشان دهد یک زندگی معمولی با تمام بحران‌ها و خطراتش تا چه حد می‌تواند شاعرانه، عاشقانه و باشکوه باشد. این فیلم چون هدف و ادعای خاص و بزرگی نداشته، به‌راحتی توانست از پس فرم برآید و مخاطب، شعاری در اثر نبیند و حقیقتاً لذت ببرد.

خبر

همه چیز درباره انسی ۲۰۲۴

مهز: انسی مدت‌هاست به‌عنوان مکانی برای انیمیشن‌های جهانی و مستقل شناخته می‌شود، اما در چند سال اخیر به پلتفرمی مهم برای استودیوهای بزرگ نیز تبدیل شده است. این رویداد نه‌تنها ادامه دارد بلکه افزایش می‌یابد و همه بازیگران بزرگ انیمیشن استودیوهای آمریکایی برای پیش‌نمایش برخی از انیمیشن‌های آینده خود در این جشن حضور خواهند داشت. ایلومینیشن نمایش ویژه «من نفرت‌انگیز ۴» در انسی را خواهد داشت تا ادامه‌دهنده راهی باشد که پیش‌تر با سه فیلم قبلی «من نفرت‌انگیز» و اسپین‌آف «مینیون‌ها» ظهور کرد» در انسی به نمایش درآمد.

استودیو دیزنی هم «درون بیرون ۲» و پیکسار و «مونا ۲» از استودیوی انیمیشن والت‌دیزنی را در جشنواره دارد و پارامونت پیکچرز و استودیوی انیمیشن نیکلودئون پیش‌نمایشی از «تبدیل‌شوندگان یک» را ارائه می‌کنند که قرار است ۲۰ سپتامبر راهی سینماها شود. انسی پیش‌تر اعلام کرده بود وس اندرسون، کارگردان «آقای فاکس شگفت‌انگیز» و «جزیره سگ‌ها»، امسال میزبان یک مسترکلاس خواهد بود و کریس سندرز، کارگردان معروف «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» نیز در این جشنواره حضور خواهند داشت تا انسی ۲۰۲۴ یک «ریات وحشی» از استودیو دیزنی برگزار و به نمایش بگذارد. انسی ۲۰۲۴ یک بخش کاملاً غیررقابتی به نام «انسی ارائه می‌کند» را نیز میزبانی می‌کند که به فیلم‌های تجاری پرهزینه تخصیص داده شده که جایی در بخش‌های رقابتی ندارند.
تولفیکس هم برای میزبانی اولین نمایش «گرگ‌ومیش خدایان» زک اسنایدر و پروژه بدون عنوان «والاس و گرومیت» و همچنین اولین نمایش جهانی «اولترامن: طلوع»، در انسی امسال خواهد بود. همچنین اعلام شد تری کیلیام، فیلم‌ساز برجسته بریتانیایی از گروه مانتی پایتون، جایزه کریستال افتخاری ۲۰۲۴ را دریافت خواهد کرد و روز یکشنبه ۹ ژوئن میزبان یک مسترکلاس خواهد بود. کیلیام که فیلم‌هایی مانند «۱۲ میمون»، «برزیل» و «ترس و نفرت در لاس‌وگاس» را در کارنامه دارد، در زمان حضورش در گروه مانتی پایتون روی چند سکانس انیمیشنی فراموش‌نشده کار کرد و انیمیشن کوتاه «استوری‌تایم» او در سال ۱۹۶۸ یک اثر کلاسیک است که تأثیر عمیقی بر جهان و انیمیشن بریتانیا در آن دوره داشت. برگزارکنندگان چهل‌هفتمین دوره انسی درباره رشد جشنواره در دوره‌های اخیر صحبت و تأکید کردند قصد دارند پذیرای میهمانان بیشتری باشند. در این مسیر، سال گذشته انسی زمان جشن خود را از شش روز به هفت روز افزایش داد؛ زیرا رویداد میزبان رقم رکوردشکن ۱۵هزار۲۰۰ فیلم بود که ۱۹ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۲۲ افزایش داشت. جشنواره امسال نیز از ۹ تا ۱۵ ژوئن (۲۰ تا ۲۶ خرداد) در یک هفته کامل برگزار می‌شود و برای پذیرایی از ششمار باورنکردنی شرکت‌کنندگان، امسال چهار سالن دیگر را به سالن‌های قبلی خود افزوده و نمایش‌دهنده ۲۳ عنوان انیمیشن بلند در بخش‌های رقابتی خواهد بود. «گرانبهاترین محموله‌ها» ساخته میشل آژانایوسیس، جشنواره انسی امسال را افتتاح خواهد کرد. این فیلم در طول جنگ جهانی دوم می‌گذرد و داستان یک خانواده یهودی –فرانسوی را روایت می‌کند.

موضوع: **گفت‌وگو با «همایون اسعدیان» درباره حواشی اخیر شبکه نمایش خانگی و گیشه سینما**

زور سرمایه به هنر نمی‌رسد



مهدي هوسيني، مدیرعامل گروه نمایش خانگی



بهناز شیربانی

نیست. در این میان واکنش گسترده صنف خانه سینما به این اظهارنظر توجه‌برانگیز شد و هرکدام در بیانیه‌هایی جداگانه خواستار رسیدگی به این موضوع شدند و روابط عمومی خانه سینما هم

قدرت می‌آورد و قدرت سرمایه آن قدر زیاد است که برخی فکر می‌کنند می‌توانند هر گونه رفتاری داشته باشند. باید این را در نظر گرفت که این قدرت سرمایه در عرصه فرهنگ و هنر بدون تعامل با اهالی فرهنگ و هنر موفق نخواهد بود و قطعا در این رودررویی سرمایه شکست می‌خورد. همین‌طورکه در رودرویی صداوسیما یا هنرمندان، صداوسیما مخاطبش را از دست می‌دهد و اگر هنرمندانی که می‌توانند مخاطب را جذب کنند و بین مردم ریشه دارند و مخاطب دارند، با صداوسیما قهر کنند، بازنده صداوسیما است. این اتفاق می‌تواند دقیقا برای پلتفرم‌ها هم تکرار شود. اگر دچار این باور شوند که قدرت سرمایه است و اگر پول بدهید، هنرمندان همه کاری می‌کنند، قطعا اشتباه بزرگی می‌کنند. واقعیت هم این است که تا به امروز چنین رفتارهایی از مدیران پلتفرم‌ها ندیده بودیم. ممکن است در ذهنیتشان این باور وجود داشته، اما حداقل به این شکل بیان نشده بود. عذرخواهی و پوزش‌خواهی نماوا را در آن بیانیه به فال نیک می‌گیرم. یعنی فکر می‌کنم خود دوستان هم در مجموعه مدیریتی آنجا این نگاه را قبول ندارند و نمی‌پسندند. ظاهرا منظورشان یک پروژه بوده، ولی من فکر می‌کنم هیجان‌زده شده‌اند و در کنارش مثلا ۵۰ تا فیلم زده‌اند و طبیعی هم بود چنین واکنش‌هایی را از سمت هنرمندان در پی داشته باشد.

ک **در بین صحبت‌ها به وضعیت نابسامان سینما اشاره کردید. می‌دانیم که دست‌کم در دو سال گذشته رونق گیشه سینما تنها با تعداد اندکی فیلم آن هم از جنس کمدی اتفاق افتاد و در این شرایط بسیاری از اهالی سینما تاملی به حضور در این عرصه ندارند و بخشی از این دل‌زدگی، ظاهرا تک‌صدایی با واگذاری عرصه به ساخت فیلم‌های کمدی در سینماست.**

صحبت‌کردن درباره سینما با صحبت‌هایی که شما اشاره کردید کمی پیچیده است. ما در دو سال گذشته و مشخصا سال گذشته از جهت گیشه رونق خوبی را تجربه کردیم. اما این رونق محصول نهایتا پنج فیلم بود. صاحبان سالن‌های سینما خوشحال هستند، چون در واقع توانستند ضرر دوران کرونا را جبران کنند و این‌ن تعداد فیلم کمدی برای آنها سودده هم بوده است. اما پنج فیلم کلیت سینما نیست. ما نمی‌توانیم خوشحال باشیم که چهار فیلم ۸۰۰ میلیارد فروخته‌اند و در کنارش مثلا ۵۰ تا فیلم روی هم ۲۰۰ میلیارد فروخته‌اند. این یعنی ضرر سینما. بحث فقط فیلم اجتماعی نیست. فیلم‌های عاشقانه، پلیسی، معمایی را هم از دست دادیم. از ژانرهای دیگر غافل شدیم.

ک **البته بخشی از انتقادات از سمت فیلم‌سازان در یکی، دو سال گذشته به‌دلیل ندادن پروانه ساخت به فیلم‌های اجتماعی است.**

اینجا نمی‌توانیم بچا را مقصر بدانیم و بگوییم که اگر اینجا درست رفتار می‌کرد، همه‌چیز درست پیش می‌رفت. اگر بگوییم شورای پروانه ساخت سختگیری می‌کند، جواب آنها هم این است که کدام کارگردان نامی ما فیلم‌نامه داده و ما رد کرده‌ایم؟ موضوع اینجاست که فیلم‌نامه‌ای ارائه نمی‌شود. باید بررسی کنیم چرا فیلم‌نامه به شورای پروانه ساخت ارائه نمی‌شود؟ از طرف دیگر، هزینه تولید فیلم به شدت بالا رفته است. یک فیلم با کمترین هزینه در شرایط فعلی، حداقل ۲۵ میلیارد تومان هزینه دارد و این یعنی ۸۰،۷ میلیارد تومان فروش برای اینکه بتواند به پولش برسد. تنها فیلم‌هایی که فروش بالای نوزور را به خودشان اختصاص دادند، فیلم‌های کمدی بودند. فیلم‌هایی در ژانرهای دیگر مثل «بی‌بدن» یا «مس عشق»

اعلام کرد هیئت‌رئیس‌ه این نهاد، بررسی موضوع

سخنان این پلتفرم را به شورای صیانت خانه سینمای ایران ارجاع داده و در این شورا، درباره آن تصمیم‌گیری خواهد شد. اما به همین بهانه با همایون اسعدیان، کارگردان و تهیه‌کننده سینما، تک‌ماهی کلان‌تر به گسترش پلتفرم‌ها دانشتیم و میزان دغدغه‌مندی آنها در حوزه فرهنگ را واکاوی کردیم و در ادامه شرایط حضور هنرمندان در پلتفرم‌ها را بررسی کردیم که آیا در شرایطی که سینما در وضعیت خوبی به سر نمی‌برد، این دو بیانیه‌هایی جداگانه خواستار رسیدگی به این موضوع شدند و روابط عمومی خانه سینما هم

با وجود اینکه مخاطب دارند، بعید می‌دانم به فروش فیلم «تمساح خونی» برسند و اگر فیلم‌های دیگر در گیشه پاسخ‌گو نبینند، به این دلیل است که هزینه تولید بالا رفته. این‌ هزینه تولید چطور بالا رفته است؟ یک بخش از آن شرایط کشور است و تورم وحشتناکی که به‌خاطر آن همه چیز بالا رفته. دستمزد بازیگران به شدت بالا رفته است. اتفاقا در این موضوع پلتفرم‌ها مقصر هستند. همین افرادی که امروز به بازیگران حمله می‌کنند، خودشان برای اینکه مخاطبان بیشتری جذب کنند، بازیگران مطرح را جذب کردند و دستمزدهای عجیب و غریب پرداخت کردند. یک بار تلویزیون سال‌ها قبل این کار را انجام داد و یک جیش در دستمزد‌ها ایجاد کرد. در چند سال گذشته هم پلتفرم‌ها این کار را انجام دادند و هزینه‌ها را در سینما بالا بردند. بازیگران در سیرال حیرت‌انگیز دستمزد می‌گیرند و طبیعتا برای یک فیلم سینمایی پرداخت رقم‌های بالا به بازیگران ممکن نیست. اما موضوع مهم این است که تحولاتی در کشور اتفاق افتاده که این تحولات جامعه ما را ۱۰ پله جلو برده است. خیلی از فیلم‌سازان ما دچار سردرگمی هستند. فیلم‌نامه‌ای که دو سال پیش برای آنها جذاب بوده، امروز حس می‌کنند موضوعیت ندارد. جامعه‌ان انتخاب این دچار تحول شده که عملا فیلم‌سازان را سردرگم کرده است. اگر بسیاری از فیلم‌سازان ما فیلم‌نامه به شورای پروانه ساخت نمی‌دهند، به این دلیل است که نمی‌دانند باید چه کار کنند. اگر نتوانیم توقع فرهنگی مردم را برآورده کنیم، شکست می‌خوریم. نمی‌دانیم چه چیزی بسازیم که پاسخ‌گوی زمانه ما باشد و این یک معضل دیگر است.

ک **پس فکر نمی‌کنید در این شرایط پلتفرم‌ها در مقابل سینما ایستاده‌اند.**

من معتقد نیستم سینما در مقابل پلتفرم‌ها از بین رفته است. سینما تبدیل می‌شود به یک مراسم. تبدیل می‌شود به یک ضیافت. فردی که از خانه بیرون می‌آید و هزینه می‌کند و سینما را انتخاب می‌کند، تاملی به دیدن فیلم مفرح در سینما دارد. در شرایطی که حال روحی و اجتماعی مردم خوب نیست و مرتب داریم با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنیم، مخاطب سینما این زمان را برای دیدن فیلم کمدی صرف می‌کند. برای اینکه دو ساعت حواس مخاطب به چیز دیگری غیر از مشکلاتی که روزمره با آن دست و پنجه نرم می‌کند پرت شود.

حالا اگر همین دو ساعت، درهای خودش را در فیلم هم ببیند قطعا سینما برایش وسوسه‌انگیز نیست. ما قیلا هم این وضعیت را داشتیم. هر وقت شرایط روحی و روانی جامعه خوب بوده فیلم‌های اجتماعی خیلی خوب پاسخ داده و درست در شرایطی که وضع روحی جامعه بد است اتفاقا فیلم‌های اجتماعی جواب نمی‌دهد. اصل باور نمی‌کنم که این فیلم‌های کمدی ما باعث شده فیلم‌های اجتماعی فروش نرود. فیلم‌های جدی ما در غیاب فیلم‌های کمدی همین‌قدر فروش می‌رود، چون اساسا تاملی برای دیدن آن فیلم‌ها وجود ندارد. واقعیت این است سال گذشته فیلم‌هایی که در جشنواره دیدم یک شکست سنگین برای فیلم‌های جدی خواهد بود. نمونه‌اش را در هفت، هشت فیلمی که در عید اکران شد دیدیم. به جز فیلم «تمساح خونی» و «بی‌بدن» باقی فروش‌ها شکست خوردند. نمی‌توانم بگوییم این میان مقصر «تمساح خونی» است. امسال هم تا آخر سال هفت، هشت فیلم کمدی داریم که سالن‌داران از فروش این فیلم‌ها راضی خواهند بود. اما این کلیت سینما نیست. کلیت سینما در معرض خطر است.

اخبار برگزیده

از کمدی تا آخرالزمان

هفتمین جلسه از نهمین فصل پاتوق فیلم کوتاه، روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ با نمایش چهار فیلم کوتاه در پردیس سینمایی بهمن برگزار خواهد شد. در این جلسه از فصل نهم پاتوق که توسط انجمن سینمای جوانان ایران برگزار می‌شود، فیلم‌های کوتاه داستانی «شیوع» به کارگردانی میثم مرادی، «زخم» به کارگردانی سحر نورمنور، «گرازاها» به کارگردانی غلامرضا جعفری و «قضاوت» به کارگردانی آریا گازر، روی پرده خواهند رفت. محمد عزیزاده، نویسنده و منتقد سینما، به‌عنوان کارشناس این جلسه، پس از اکران آثار باکارگردان‌های فیلم‌های کوتاه به نمایش درآمده به گفت‌وگو می‌نشیند و آثار را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. محمد محمدی، به عنوان مجری کارشناس برنامه حضور خواهد داشت. «شیوع» در ژانر آخرالزمانی، به نویسندگی و کارگردانی میثم مرادی ساخته شده و حمید شاکری تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده داشته است. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «ما مسخ شده‌ایم… می‌دانیم که نمی‌دانیم… و همچنان نمی‌دانیم… ما مسخ شده‌ایم. «زخم» فیلمی است در ژانر درام به نویسندگی و کارگردانی سحر نورمنور و تهیه‌کنندگی مشترک سحر نورمنور و انجمن سینمای جوانان ایران. «زخم» روایت داستان یک دختر ۹ساله است که بعد از زلزله و از دست دادن خانواده‌اش با مسئله بلوغ مواجه می‌شود، درحالی‌که از آن چیزی نمی‌داند. «گرازاها» ر غلامرضا جعفری، نویسندگی و کارگردانی کرده و به‌تهیه‌کنندگی رامین سامانی، در ژانر درام ساخته شده است. «قضاوت» اثری کمدی است به‌نویسنندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی آریا گازر. این فیلم کوتاه داستان مانی و سوزنا است که هنرجویان یک هنرستان هستند. آنها که شاهد تعریف و تمجید ناعادانه مدیر از یک هنر جو و فیلمش هستند تصمیم می‌گیرند که اعتراض‌شان را با ساختن فیلمی از مدیر و رفتارش نشان دهند. هفتمین جلسه فصل نهم پاتوق فیلم کوتاه با همکاری مؤسسه فرهنگی، تبلیغاتی بهمن سبز – پخش رویش، یکشنبه ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۵ در پردیس سینمایی بهمن برگزار می‌شود و شامل نمایش آثار و جلسه نقد و بررسی خواهد بود.

«لوران کانتته» فیلم‌ساز برجسته فرانسوی درگذشت

ایستا: «لوران کانتته» فیلم‌ساز فرانسوی که با فیلم «کلاس» در سال ۲۰۰۸ برنده نخل طلای کن شد، در ۶۳ سالگی درگذشت. این فیلم‌ساز تحسین‌شده قصد داشت فیلم بعدی خود را به نام «انزو» با نویسندگی مشترک «رابین کامپیو» در اواخر امسال فیلم‌برداری کند. «ایزابیل دلا پاتالیس» نماینده کانتته، به رسانه‌های فرانسوی اعلام کرد که این فیلم‌ساز در پاریس و بر اثر بیماری درگذشت. «کلاس درس» یک فیلم مستند-درام بر اساس کتابی نیمه خود زندگینامه از «فرانسوا بگودو» است که داستان آن درباره معلمی در محله‌ای در پاریس است و در آن بازیگرانی عمدتا غیرحرفه‌ای بازی کرده‌اند. به گزارش اسکرین، آخرین فیلم این‌ن کارگردان «آرتور رمبو» بود، درباره نویسنده‌ای که به خاطر محتوای رسانه‌های اجتماعی تحریک‌آمیزش به دردمسر می‌افتد. این فیلم در جشنواره تورنتو ۲۰۲۱ نمایش داده شد. از فیلم‌های او همچنین می‌توان به «فاکس فلایر: اعتراضات یک دختر تبهکار» که در تورنتو ۲۰۱۲ رونمایی شد و فیلم «بازگشت از ایتالیا» که در سال ۲۰۱۴ در جشنواره ونیز انتخاب شد، اشاره کرد. مرگ «لوران کانتته» شوک بزرگی برای صنعت فیلم فرانسه است و با ادای احترام سینماگران همراه شده است.

داوران نوعی نگاه‌کن معرفی شدند

ریاست هیئت بخش نوعی نگاه هفتادوهفتمین جشنواره فیلم کن را «ژوویه دولان» سینماگر ۳۵ساله ه عهده دارد و «مایمونا دوکوره» کارگردان سنگالی، «لوسالمودیر» کارگردان مراکشی، «ویکی کریس» بازیگر انگلیسی و «ناد مک کارتی» منتقد ارشد سابق وایتی و هالیوود ریپورتر دیگر اعضای هیئت داوران را تشکیل می‌دهند و ۱۸ فیلم بخش مسابقه نوعی نگاه را داوری خواهند کرد. هفتادوهفتمین جشنواره فیلم کن از ۲۵ اردیبهشت تا ۵ خرداد (۱۴ تا ۲۵ می) در فرانسه برگزار خواهد شد و ریاست هیئت داوران بخش مسابقه اصلی هم بر عهده «کرتا گرویک» کارگردان آمریکایی است.